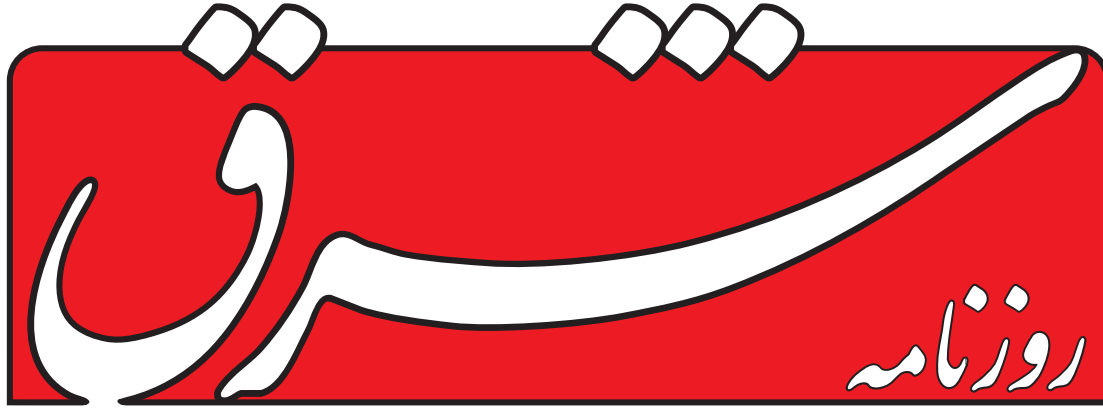




احمد غلامی

«عواطف» نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست بالاخص در شکل‌گیری جوامع دارد. جامعه ایران نیز نه تنها از این قاعده مستثنا نیست بلکه به شکلی ناهنجار در انقیاد عواطف و احساسات متناقض است. تمرکز بر زندگی روزمره آدم‌های جامعه نشان می‌دهد آنان تا چه میزان تحت تأثیر عواطفی از جنس خشم و انتقام و عشق و نفرت هستند. اینکه جامعه‌ای در سلطه عواطف آدم‌های خود باشد در نوع خود اتفاق نامتعارفی نیست. شکل‌گیری همه جوامع پیش از قرارداد فی‌مابین حکومت و مردم بر پایه همین عواطف شکل می‌گیرد. این نظریه اسپینوزا است که او را از هابز متمایز می‌کند و در اندیشه‌های او جایگاه ویژه‌ای دارد. اگر جامعه ایران جامعه متعارفی بود به سهولت می‌توانستیم درباره «جامعه‌پذیری» و «جامعه‌ستیزی» ایرانیان از منظر اسپینوزا سخن بگوییم. اما این‌گونه نیست. حوادث اجتماعی بسیاری که در سال‌های اخیر برای تغییر رخ داده و به سرانجام نرسیده، جامعه ایران را نامتعارف کرده است. از این‌رو تحلیلگران سیاسی و اجتماعی ناگزیرند به سمت مسیریها و تعابیر خودانگیخته و بی‌واسطه بروند. هرگونه تحلیل بی‌واسطه از شرایط موجود آن را دوچندان سترون می‌کند. طرفه اینکه برخی با نگاه سهل‌انگارانه سیاسی درصددند بعد از پیروزی مسعود پزشکیان با چهره‌سازی از او احساسات و عواطف متناقض جامعه را کانالیزه کرده و از شدت وخامت آن بکاهند. ناگفته پیداست کسانی که دست به این کار می‌زنند خود عضوی از این جامعه نامتعارف‌اند که اعضای آن بیش از آنکه کنش‌هایشان عقلانی باشد در قید عواطف و احساسات خویش هستند. در این وضعیت دو گروه بیش از هرکس در به‌کارگیری عواطف خود پافشاری می‌کنند؛ گروهی که سال‌ها در انزوا بوده و در عطش قدرت به سر برده و گروهی دیگر که سال‌ها هویتش نادیده گرفته شده است. البته ابزار این دو گروه برای اثرگذاری مشابه است و آن چیزی نیست جز اغراق در پیروزی انتخابات ۱۴۰۳ و چهره‌سازی از مسعود پزشکیان. رصد زندگی روزمره رئیس‌جمهور که بیشتر یادآور کردار اطرافیان احمدی‌نژاد است. اکنون نیز حامیان رئیس‌جمهور لحظه به لحظه کارهایش را گزارش می‌دهند. از حضور او در بقالی گرفته سینه‌زنی و فوتیال. آنچه کمتر از هر چیز روی آن پافشاری می‌شود تخصص او به‌عنوان چهره‌ای تحصیل‌کرده در سخت‌ترین رشته پزشکی است. این دو گروه که یکی سودای منافع دارد و دیگری هویت‌سازی، نه تنها نمی‌توانند احساسات و عواطف متناقض جامعه را سامان بدهند بلکه آن را آشوبناک نیز خواهند کرد. بین این دو گروه بسیاری از کارشناسان، مدیران سابق و اسبق و تحلیلگران ریز و درشت وجود دارند که دائم به رئیس‌جمهور توصیه می‌کنند که چه بکند و چه نکند. این خود سمبئوم نوعی بیماری است: «احساس تکلیف غیرضروری». حالا از سهم‌خواهی ریز و درشت چهره‌های سیاسی می‌گذریم که هر یک خود را در آینه وزیری بالقوه تصور می‌کنند و آماده خدمت‌اند! انتخابات زود هنگام ۱۴۰۳ به معنای واقعی برده از وضعیت بحرانی جریان‌های سیاسی بیروز میدان برداشت و عیان کرد آنان به جامعه باور ندارند و در قید جهت‌دهی عواطف و احساسات جامعه نیستند؛ عواطفی که بیش از هر چیز به سمت جامعه‌ستیزی گام برمی‌دارد. اینک بیش از هر زمان دیگر باید به فکر منافع توده‌های مردم بود، چراکه هیچ ایدئولوژی، هیچ مرام و مسلک و چهره‌سازی پوپولیستی‌ای نمی‌تواند به «جامعیت جامعه» منجر شود به‌جز منافع واقعی مردم. حتی در یک جامعه متعارف برای توانمندسازی جامعه راهی جز در نظر گرفتن منافع آحاد مردم وجود ندارد: «حکومتی که نتواند درست عمل کند مگر آنکه رهبران آن فیلسوفان باشند حکومت بدی است. حکومت خوب، حکومتی است که کیفیت اخلاقی اتباع و رهبران آن هر چه باشد، بازم درست عمل کند. این فضیلت شهروندان نیست که کیفیت حکومت را تعیین می‌کند، بلکه این کیفیت حکومت است که غیرمستقیم فضیلت شهروندانش را تولید می‌کند.» کاملاً عیان است که گام برداشتن در مسیر خیر عمومی و منافع مردم با عمل به سرانجام خواهد رسید. دولت‌ها و چهره‌های سیاسی و حتی تبلیغ‌دریاره ساده‌زیستی آنان دیگر اهمیت چندانی ندارد. مطالبات جمعی روشن است؛ منافع همه، نه اقلیتی دور قلاب‌چین که همواره بوده، هستند و خواهند بود. مردم به هیچ دولت و چهره‌ای سیاسی که عملکردشان را در زندگی خود نبینند اهمیت نخواهند داد. اینها را بهتر از هر کسی آثانی می‌دانند که گرداگرد دولت‌های بیروز پر سه می‌زنند و در بی قدرند.

شنبه ۳۰ تیر ۱۴۰۳
۱۴ محرم ۱۴۴۶
۲۰ جولای ۲۰۲۴
سال بیست‌ویکم
شماره ۴۸۸۲
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



هاشم اورعی تحلیل‌کرد  
لابی‌های خطرناک  
برای ناترازی انرژی

**در «شرق» امروز می‌خوانید:** پزشکیان برای خودش چه کارویژه‌ای تعریف کرده است؟ • جنگ؛ آخرین ابزار «شی» برای حفظ قدرت • اعلام ابتلا به کووید و افزایش فشارها برای کناره‌گیری؛ انزوای بایدن

در گفت‌وگو با کارشناسان مهم‌ترین مأموریت دولت چهاردهم کاهش تورم و رشد اقتصادی عنوان شد

# تورم؛ ارثیه شوم



پزشکیان با اعتماد به وزیر اسبق امور خارجه به جای دولت در سایه پشتوانه‌ای عمل‌گرا و علمی را برای توسعه عینیت بخشید

## عقلانیت در سایه

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید عکس علی شریف زاهد، ایرنا

### یادداشت

## یک پیشنهاد برای آقای رئیس‌جمهور



هادی کحال‌زاده

بسیاری تورم، فقر و بی‌کاری را که نمودهای بیرونی بحران تولید ثروت ملی و تحریم‌ها هستند، اصلی‌ترین چالش‌های دولت آقای پزشکیان می‌دانند. برخی نیز به‌درستی به اهمیت کسری بودجه، ناترازی انرژی، ناترازی نظام بانکی و بحران صندوق‌های بازنشستگی و محیط زیست اشاره دارند. این فهرست بلند از ابرچالش‌ها نه تنها مختص دولت آقای پزشکیان بلکه اصلی‌ترین چالش دو دولت گذشته آقایان روحانی و رئیسی نیز بوده است. اما در یک تصویر بزرگ‌تر، مهم‌ترین چالش پیش‌روی دولت پزشکیان را می‌توان ناتوانی نهاد دولت در حل این ابرچالش‌ها و حرکت به سمت «حکومت‌ناپذیری» دانست. به تعبیر کلاوس اوفه، جامعه‌شناس آلمانی، حکومت‌ناپذیری شرایطی است که دولت‌ها توانایی «حل مسئله» یعنی پیشگیری و مدیریت بحران‌ها را از طریق منابع نهادی خود از دست می‌دهند. تاکید دکتر پزشکیان بر احیای نهاد دولت، بازگشت به نظام کارشناسی، استفاده از ظرفیت کارشناسان و تلاش برای ایجاد همدلی و وفای در درون ارکان نظام سیاسی، احتیاطاً جمع‌بندی تجربی او از دلایل شکست دولت‌ها و نشانه از آگاهی او درباره این چالش بزرگ است. او در دوره تبلیغات انتخاباتی، نمودار معروف اوغلو و رایبسون در کتاب «راه باریک آزادی» را بارها به نمایش گذاشت. نموداری که سعادت غالب ملت‌ها را در گرو افزایش قدرت هم‌زمان دولت و ملت و ایجاد یک «لویاتان مقید» می‌داند. لویاتان قدرتمندی که توانمند به حل مسائل و پاسخ‌گو به نیازهای جامعه است اما هم‌زمان در مهار جامعه قدرتمند خود قرار دارد. اگر این رویکرد

دوم: احیای نهاد دولت نیازمند توسعه سه ظرفیت تحلیلی (analytical capacity)، ظرفیت اجرایی (operational capacity) و ظرفیت سیاسی (political capacity) در درون و تقویت سه توانایی در ایجاد هماهنگی، همکاری و تعهد در درون و میان ساختار حاکمیت است. در این معنا، ظرفیت تحلیلی یا ذخیره دانایی دولت‌ها، توانایی شناسایی مشکلات و پیشنهاد راه‌حل‌های ممکن را در اختیار آنها قرار می‌دهد. به عبارتی ظرفیت تحلیلی امکان طراحی «سیاست خوب» را در دولت‌ها ایجاد می‌کند. ظرفیت اجرایی نیز امکان اجرای خوب «سیاست خوب» را فراهم می‌کند. از دیگر سو ظرفیت سیاسی، مدرج به میزان به رسمیت شناختن نهاد دولت به‌عنوان متولی حل مسئله در ساختار حاکمیت است. موفقیت دولت‌ها در سیاست‌گذاری علاوه بر برخورداری از سطح مقبولی از این سه ظرفیت، تابع توانایی آنها در ایجاد هماهنگی، همکاری و تعهد در درون نهادها و بین ارکان حاکمیت نیز هست؛ بنابراین طراحی و اجرای «سیاست خوب»، بدون توفیق در ایجاد هماهنگی و همکاری و تعهد، امکان خروج از «تله ظرفیت» را برای دولت‌ها فراهم نمی‌آورد.

سوم: با توجه به سه ظرفیت اشاره‌شده و در موضوع انباشت دانایی دولت، واقعیت این است که ظرفیت کارشناسی دولت در دو دهه اخیر، چه در سطح صف و چه ستاد، به شدت آسیب دیده است.

### یادداشت

## مطالبات زنان و راهبرد عبور از بحران‌ها



حمیده زره‌آبادی

مشارکت سیاسی زنان ایران در بزنگاه‌هایی مانند انتخابات، دست‌کم از سوی واندی سال پیش تاکنون، با مطالبه بهره‌گیری از توان اجرایی، اداری و مدیریتی در مشاغل مدیریتی پراهمیت و به‌ویژه در رأس یکی از وزارتخانه‌ها و به‌عنوان وزیر مطرح بوده است. به گواهی تاریخ انتصاب وزرا در دولت‌های گذشته، این مطالبه به‌جز یک بار محقق نشده است. این در حالی است که این مطالبه در ایام تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری دولت‌های ۱۳ آگانه گذشته به‌منظور جلب مشارکت حداکثری زنان ایران از سوی نامزدهای ریاست‌جمهوری تلویحاً با تصریحاً موردتأکید قرار می‌گیرد. اما در ایام استقرار رئیس‌جمهور منتخب در هر دوره عملاً دولت‌ها از زیر بار این مطالبه جدی به بهانه‌های مختلف شانه خالی کرده‌اند. با فرض قبول مقاومت در بخشی از بدنه اداری و اجرایی و مدیریتی کشور، باید گفت زمینه‌های تحقق انتخاب یک زن به عنوان وزیر و شکستن این مقاومت در نتیجه تلاش‌های مؤثر زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اکنون بیش از پیش مهیاست؛ کافی است به ظرفیت دانشگاه‌های کشور و نسبت پذیرش مردان و زنان در این بخش توجه کنیم. بیش از ۵۰ درصد ظرفیت دانشگاه‌ها در مقاطع مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری از آن زنان است. نزدیک به ۳۰ درصد کرسی‌های اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کشور به زنان تعلق دارد. زنان توانمند ما روی نزدیک به ۲۵ درصد از صنایع‌های مدیریتی ساختار اداری حال حاضر نشسته‌اند ...

اما باید به این سؤال پاسخ داد که چنین مطالبه‌ای از کجا می‌آید؟ از مشروطه به این سو، تاریخ ایران مملو از گزارش‌های معتبری است که حضور زنان را دوشادوش مردان در نهضت‌ها، خیزش‌ها، جنبش‌ها، قیام‌ها و انقلاب‌ها موردتأیید قرار می‌دهد. انقلاب مشروطه، خیزش‌ها و مبارزه‌های ایرانیان علیه استعمار و استکبار، انقلاب شکوهمند اسلامی و جنبش‌ها و خیزش‌های پس از آن بزنگاه‌های پراهمیتی است که زنان این سرزمین در آن ایفای نقش داشته‌اند؛ جانب اینجاست که هر چه در بستر زمان جلوتر می‌آییم، این نقش حتی در قیاس با ایفای نقش مردان پررنگ‌تر شده است. اکنون، نیچی از جمعیت ایران از زنانی با متوسط تحصیلات، تجارب اجتماعی و کارنامه سیاسی قابل‌قبول تشکیل می‌دهد. تجربه‌های گذشته بهره‌گیری از آنان در هیئت‌دولت‌های ۱۳ آگانه گذشته در

جایگاه‌هایی غیر از وزارت همچون معاونت امور زنان، معاونت حقوقی، ریاست سازمان محیط زیست و... در مجموع قابل‌دفاع و تقدیر بوده، ولی همچنان ناکافی است. به نظر می‌رسد نگاه غالب مردانه به استفاده از زنان به‌عنوان وزیر در کابینه دولت‌ها که از آن به‌عنوان خطرپذیری یاد می‌شود، باید تحول یابد. تا زمانی که به زنان در بدنه مدیریت عالی کشور به‌مثابه تهدید نگریسته می‌شود، نمی‌توان به تحقق رؤیای وزیر زن امیدوار بود. زنان در سپهر سیاسی، اجرایی و اداری کشور، امروز به‌مثابه یک فرصت و ظرفیت ارزشمندند که با به‌کارگیری آنان در مشاغل عالی مدیریتی در نتیجه حاکمیت رویکرد عدالت جنسیتی می‌توان به رفع احساس تبعیض در آنان و افزایش سرمایه اجتماعی نظام جمهوری اسلامی امیدوار بود. رئیس‌جمهور منتخب دولت چهاردهم اکنون در آستانه آزمون سختی قرار دارد. موفقیت در این آزمون نیازمند استفاده از توان حداکثری جامعه حامی دولت و عموم شهروندانی است که نیچی از آنان را زنان تشکیل دادند. هیچ منع قانونی و حقوقی یا الزام اداری روشنی برای بهره‌گیری از زنان در مقام وزیر وجود ندارد و این خود حاکی از نگاه فراجنسیتی قوانین و مقررات حاکم است. کافی است نگاه مردانه تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران عالی قدری تعدیل شود تا به پشتوانه تجربه‌های موفق بهره‌گیری از زنان در مشاغل عالی، این بار زنان در کابینه دولت به‌عنوان وزیر حضور یابند. البته می‌توان در کنار تجربه‌های موفق حضور زنان در مدیریت‌های عالی قوه مجریه، انبوهی از تجربیات موفق حضور آنان به‌عنوان نمایندگان مجلس شورای اسلامی در قوه مقننه و برخی از مدیریت‌های عالی در قوه قضائیه را نیز برشمرد که تمامی این کارنامه می‌تواند ترس و بیم مردانه موجود از تحقق آرزوی انتخاب یک زن به‌عنوان وزیر را از میان بردارد.

### برگزیده‌ها

«شرق» نظرات جمعی از معلمان و کارشناسان را درباره وزیر آموزش و پرورش منعکس کرد

## مکثی درباره پرمخاطب‌ترین وزارتخانه

نگاهی متفاوت به کمپین برکناری زاکانی، شهردار تهران

## مشکل زاکانی است یا صندلی شهردار



شرایط تنها دختر شانس مدال ایران در پاریس

### سال ناهید

### نگاه

## تاریخ دودوره در سه دست‌نوشته

یادداشتی از علی اصغر سیدآبادی

### یادداشت

## جایگاه فراموش شده منافع عمومی



مهرداد احمدی‌شیخانی

احتمالاً می‌توانم مدعی باشم که در این سال‌ها، بین طرفداران مشی اصلاح‌طلبی و به‌ویژه از پیش از انتخابات مجلس یازدهم در سال ۹۸ تاکنون، بیشترین یادداشت را در ضرورت شرکت در انتخابات نوشته‌ام و جزایزش را هم دیده، دوستان بسیاری را از دست داده، تهمت و دشنام و زخم زبان فراوانی شنیده‌ام که البته این انتخاب خودم بوده و طبیعتاً نباید از آن کله‌مند باشم. از طرفی باید بگویم منطق آثانی را که معتقدند اصلاح‌طلبی چاره‌ساز نیست و این روش را منتهی به سرانجامی مفید نمی‌دانند، درک می‌کنم. ولی منطق آثانی را که با وجود ادعای اعتقاد به اصلاح‌طلبی، صندوق رای را ترک کردند، هیچ وقت درنیافتم و بر این گمانم که بین مشی اصلاح‌طلبی و ترک صندوق رای، تناقض وجود دارد. حال که انتخابات ریاست‌جمهوری پایان یافته، احتمالاً فرصت مناسبی است...

**همکار گرامی سرکار خانم نسترن فرخه**  
با کمال تأسف و تأثر درگذشت **پدر گرامیتان** را به شما و خانواده محترمان تسلیت می‌گوییم و از خداوند متعال برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر و شکیبایی آرزو می‌کنیم.

**روزنامه شرق**

**هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق**  
**نیت است بر جریده عالم دوام ما**  
انسانی شریف و وارسته، **دکتر منوچهر پویا** از میان ما رفت. برای بزرگداشت زندگی پریشار، روز یکشنبه ۳۱ تیر ۱۴۰۳ ساعت ۱۷ الی ۲۰ گردهم می‌آییم. آدرس: فرشته، چناران، سروستان شرقی، برج صبا

**خانواده‌های: پویا، مسعودی، رهنما، پیکر آراء، علی‌آبادی، مویدی، و حافظی**